

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تروین شین و... – تایپ و ارسال: همایون اوریا
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۳

دو اثر از تجربیات ویتنام

(۲)

انقلاب سوسیالیستی

پس از پیروزی بزرگ دین بین فو (۱۹۵۴) شمال کشور ما تماماً آزاد شد، در حالی که جنوب کماکان تحت سلطه امپریالیست ها و فئودال ها باقی ماند. حزب ما تصمیم گرفت که شمال را وارد مرحله انقلاب سوسیالیستی نماید و همزمان با آن مبارزه را علیه امپریالیسم و نوکرانش برای به انجام رساندن انقلاب ملی – دموکراتیک توده‌ئی در جنوب دنبال کند و در مسیر وحدت مجدد کشور گام بردارد.

در این زمان دو مسأله بزرگ در برابر حزب قرار داشت:

آیا برای گذار به انقلاب سوسیالیستی باید منتظر وحدت مجدد کشور گردید؟ آیا شمال باید قبل از گذار به سوسیالیسم یک مرحله توسعه سرمایه داری را پشت سر گذارد؟ پاسخ حزب ما به این دو سؤال منفی بود.

پس از انجام وظایف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی، شمال باید بدون تعلل و بدون آن که منتظر وحدت مجدد کشور گردد، به مرحله انقلاب سوسیالیستی گام نهد. ما "طالب انقطاع" هستیم. صدر هوشی مین گفته است:

"... از هنگام برقراری صلح تا کنون، شمال کشور ما از انقلاب ملی – دموکراتیک توده‌ئی به انقلاب سوسیالیستی گام نهاده است، وظیفه بلاواسطه تمام خلق ما این است که تمام نیروی خود را در خدمت ساختمان و تحکیم شمال، هدایت تدریجی شمال به سوی سوسیالیسم قرار دهد و همزمان با آن به خاطر وحدت مجدد کشور و به منظور ساختمان ویتنامی صلحجو، واحد، مستقل، دموکراتیک و شگوفان مبارزه نماید." (۱)

شمال به دلائل زیر کاملاً در حدی قرار دارد که می تواند با پرشی از روی مرحله توسعه سرمایه داری مستقیماً به سوسیالیسم وارد شود.

۱- حزب زحمتکشان ویتنام که حزبی واقعاً مارکسیست – لنینیست است، تمامی تلاش انقلابی مردم شمال را بر اساس اتحاد مستحکم کارگران و دهقانان به نحو پیگیری رهبری کرده است.

۲- انجام انقلاب ملی – دموکراتیک توده‌ئی در شمال مقدمات گذار به انقلاب سوسیالیستی را فراهم نموده است.

۳- پس از مقاومت پیروزمندانه در مقابل استعمارگران فرانسوی و آزاد کردن شمال کشور، دیکتاتوری دموکراتیک خلق در شمال کاملاً قادر است وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را انجام دهد.

۴- مردم شمال سرشار از روحیه میهن پرستانه هستند و در کار، جدیت فوق العاده از خود نشان می دهند. آنها می

دانند چگونه به نیروی خود متکی باشند و مصمم اند زندگانی نوینی بر طبق مشی حزب بنا کنند.

۵ - ساختمان سوسیالیسم در کشور ما از کمک صمیمانه کشور های سوسیالیستی برادر در تمام زمینه ها برخوردار است.

در واقع پس از پیروزی نهضت مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی، شمال کشور که کاملاً آزاد شده است، به مرحله گذار به سوسیالیسم گام نهاده است.

مشی عمومی حزب ما در مرحله گذار به سوسیالیسم در شمال چنین بود :

"...هدایت شمال - به سرعت، با تمام نیرو و به نحوی مطمئن - به سوی سوسیالیسم، تأمین رفاه و سعادت خلق، استحکام بخشیدن به شمال برای ایجاد پایه های استوار در مبارزه بخاطر وحدت مسالمت آمیز کشور، کمک به تقویت اردوگاه سوسیالیسم و دفاع از صلح در جنوب شرقی آسیا و جهان."

"برای نیل به این مقاصد باید از طریق حکومت دموکراتیک - توده ئی وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را انجام داده تا بدین ترتیب در کشاورزی، صنایع دستی، تجارت کوچک، صنعت و تجارت کاپیتالیستی خصوصی دگرگونی سوسیالیستی به وجود آورده، بخش دولتی اقتصاد را توسعه بخشید. صنعتی کردن سوسیالیستی را با تأمین تقدم منطقی توسعه صنایع سنگین، در عین بذل توجه به توسعه کشاورزی و صنایع سبک انجام داد. به انقلاب سوسیالیستی در زمینه ایدئولوژیکی، فرهنگی و فنی تحرکی نیرومند بخشید، از ویتنام کشوری سوسیالیستی دارای صنعت و کشاورزی مدرن، فرهنگ و علوم پیشتاز بنا نمود." (۲)

برای انجام این مشی عمومی، حزب ما از طرفی به تحکیم دیکتاتوری در قبال دشمنان خلق، سرکوب ضد انقلابیون و برقراری نظم و امنیت و از جانب دیگر به توسعه دموکراسی در قبال خلق، تحقق بخشیدن به حقوق دموکراتیک خلق، تدوین و تکمیل تدریجی قانونگذاری سوسیالیستی، و ایجاد شرایطی که به خلق اجازه دهد در اداره امور دولتی واقعاً سهیم باشد، می پرداخت. در عین حال، حزب سه جنبش انقلابی، انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب در تکنیک، و انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی برپا نمود.

در مرحله اولیه انقلاب سوسیالیستی، ما وظیفه مرکزی خود را دگرگونی سوسیالیستی قرار دادیم، و در عین حال به ایجاد پایه های مادی و فنی سوسیالیسم پرداختیم و در این راه تکیه خود را بر روی بخش های ارجح قرار دادیم. در امر دگرگونی سوسیالیستی، ما تعاون کشاورزی را به منزله حلقه اصلی برگزیدیم و در عین حال اقدام به دگرگونی سوسیالیستی صنایع دستی، صنایع و تجارت کاپیتالیستی خصوصی و تجارت کوچک نمودیم، ما رژیم مالکیت سوسیالیستی را به دو شکل بنا نمودیم: مالکیت مردم و مالکیت دسته جمعی. در حال حاضر روابط تولیدی سوسیالیستی هژمونی مطلق را در اقتصاد ملی کسب کرده، به عامل محرک ساختمان سوسیالیسم در شمال تبدیل شده است.

معذالک، انقلاب در روابط تولیدی به تغییر رژیم مالکیت وسائل تولیدی محدود نمی گردد. این انقلاب باید همچنین در سیستم اداره و توزیع نیز صورت گیرد. هدف از دگرگونی روابط تولیدی تأمین این حق زحمتکشان است که به صاحب اختیار دست جمعی ابزار اساسی تولیدی، چه در تولید و چه در توزیع، تبدیل شوند، و به این ترتیب دموکراسی سوسیالیستی توسعه یابد و قوه محرکه و روح ابتکار توده های زحمتکش در جریان تولید برانگیخته شود.

سپس از این که دگرگونی در روابط تولیدی مربوط به رژیم مالکیت در مجموع صورت گرفت، انقلاب فنی موقعیت کلیدی را اشغال می کند. این انقلاب باید به نحو مؤثری در خدمت صنعتی کردن سوسیالیستی قرار گیرد. هدف ما از

اقدام به صنعتی کردن سوسیالیستی و انقلاب فنی عبارت است از تأمین استقلال و خودمختاری واقعی اقتصاد ملی، ایجاد یک صنعت مدرن که دارای این قابلیت باشد که تمام تولید کنونی ما را که در حال حاضر اساساً بر پایه صنایع دستی است، به تولیدات بزرگ مکانیزه تبدیل نماید. توسعه سریع نیروهای مولده و افزایش دائمی بازدهی کار. در پروسه صنعتی کردن سوسیالیستی، ما میان صنعت و کشاورزی روابط صحیحی برقرار می کنیم، بدین ترتیب که صنعت سنگین را به عنوان شالوده تمام اقتصاد ملی و کشاورزی را به عنوان پایه توسعه صنعت در نظر می گیریم. ما در عین حال این که به توسعه کشاورزی و صنایع سبک توجه داریم، برای توسعه صنایع سنگین ارجحیتی منطقی قائل هستیم. ما به توسعه صنایع وابسته به دولت مرکزی تکیه می کنیم و در عین حال توجه زیادی به توسعه صنایع محلی مبدول می داریم.

انقلاب فنی در رشد سوسیالیسم تأثیری شدیداً برانگیزنده دارد. ما انقلاب را با این شعار به پیش می رانیم: از دو راه به پیش بتازیم، این بدین معنی است که ما از طرفی گام به گام از صنایع دستی به نیمه مکانیزه و از آن به مکانیزه به پیش می رویم، و از طرف دیگر میان بر می زنیم و تکنیک مدرن را مستقیماً مورد استفاده قرار می دهیم. زیرا که کشور ما از کمک های کشور های سوسیالیستی برادر برخوردار می شود و نیز ما تدریجاً از تعداد کافی کادر فنی و کارگر متخصص برای تسلط بر تکنیک مدرن برخوردار خواهیم شد.

به موازات این دو جنبش انقلابی و به خاطر این که به نحو مؤثری به این دو جنبش یاری رسانیم، اقدام به انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی می کنیم. در زمینه ایدئولوژیکی، مبارزه می کنیم، ایدئولوژی خرده بورژوازی را مورد انتقاد قرار می دهیم و تمام بازمانده های ایدئولوژی فئودالی و سائز ایدئولوژی های مخلوط را از بین می بریم. در زمینه فرهنگی ما در عین این که نقادانه وارث فرهنگ ملی خویش می باشیم، فرهنگ ویتنامی نوینی با محتوای سوسیالیستی و خصلت ملی بنا می کنیم.

انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی ما انجام وظایف زیر را عهده دار است:

- رسوخ دادن مارکسیسم - لنینیسم و نیز مشی و سیاست حزب در میان خلق. بیان این مشی و این سیاست در قالب اعمال انقلابی توده ها و تحقق بخشیدن به یکپارچگی سیاسی و معنوی خلق مان.

- پرورش کادر های مان و خلق مان با فضائل سوسیالیستی و احساسات انقلابی طبقه کارگر و ایجاد یک آگاهی کامل سوسیالیستی نسبت به کار و اموال جامعه در آنان. القای میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری در آنها، القای روح قهرمانی انقلابی بدانان، شکوفان ساختن سنت های مبارزه سرسختانه و آشتی ناپذیر خلق در نزد ایشان، جلب یک یک افراد به شرکت مشتاقانه در امر رقابت میهن پرستانه و نیز به عملی ساختن کامل این دستور صدر هوشی مین " به میهن وفادار باشیم و خود را وقف خلق کنیم، هر وظیفه ای را به خوبی به انجام رسانیم، از پس هر مشکلی بر آئیم و بر هر دشمن فائق شویم. "

- ریشه کن کردن بیسوادی به خصوص در مناطق کوهستانی، توسعه فرهنگ، آموزش، ادبیات و هنر و دانش و فنون، ارتقای دائمی سطح فرهنگی و فنی کادر ها و خلق به نحوی که هر کس بتواند معلومات خود را در امر ساختمان سوسیالیسم و مقاومت در برابر تجاوز امریکا برای رستگاری ملی به طرز مؤثری به کار بندد.

- ادامه کار تجدید تربیت روشنفکرانی که دارای تربیت قدیمی هستند و پرورش یک قشر روشنفکر نوین که از میان طبقه کارگر و دهقان برخاسته باشد و به سوسیالیسم مطلقاً وفادار باشد.

در حال حاضر در شمال مبارزه بین راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری برای یافتن پاسخ قطعی به این سؤال که " کدام یک از این دو راه پیروز خواهد شد؟ " ادامه دارد. این مبارزه ای است طولانی، سخت پیچیده، جنبش هائی نظیر

سرکوب ضد انقلابیون، توسعه دموکراسی در قبال خلق، دگرگونی روابط تولیدی، انقلاب فنی، انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی، نیز محتوای این مبارزه بین دو راه را در شمال کشور ما تشکیل می دهند.

در راه انجام انقلاب سوسیالیستی در شمال، حزب ما همواره به قوانین جهانشمول پروسه " انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم " وفادار است. این قوانین در بیانیه سال ۱۹۵۷ مسکو ذکر گردیده است و ما به آنها قانون " صنعتی کردن سوسیالیستی " را که منطبق است بر شرایط ویتنام، یعنی کشوری زراعتی و عقب مانده که مستقیماً و بدون گذار از مرحله رشد کاپیتالیستی به مرحله سوسیالیسم گام نهاده است، اضافه می کنیم. این قوانین به شرح زیر اند:

— تحقق بخشیدن و تحکیم رهبری طبقه کارگر در قبال توده های زحمتکش، توسط هسته این رهبری یعنی حزب مارکسیست لنینیستی.

— انجام انقلاب پرولتاریائی، صرف نظر از شکل این انقلاب؛

— تحقق بخشیدن به بلوک اتحاد طبقه کارگر و توده های اساسی خلق (دهقانان و سائر اقشار زحمتکش) و تقویت این بلوک؛

— انجام تدریجی دگرگونی سوسیالیستی در کشاورزی؛

— انجام امر صنعتی کردن سوسیالیستی؛

— توسعه اقتصاد ملی از روی نقشه، جهت دادن به سمت ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم به خاطر بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان؛

— انجام انقلاب سوسیالیستی در زمینه ایدئولوژیکی و فرهنگی و پرورش یک قشر روشنفکر پرشمار که به طبقه کارگر، به خلق زحمتکش و به آرمان سوسیالیسم وفادار باشد؛

— الغای ستم ملی و برقراری تساوی ملیت ها؛

— دفاع از پیروزی های سوسیالیسم در مقابل خرابکاری های دشمنان خارجی و داخلی؛

— تحقق بخشیدن به همبستگی طبقه کارگر کشور با طبقه کارگر کلیه کشور های دیگر، تحقق بخشیدن به انترناسیونالیسم پرولتری.

در یک کلام، انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی و انقلاب سوسیالیستی، دو ستراتیژی انقلابی مربوط به دو پروسه مختلف تکامل اجتماعی اند ولیکن متوالی اند و بدون انقطاع و حتی به نحوی فشرده به یکدیگر مرتبط اند. به این ترتیب است که بعضی از وظایف مرحله بعدی در همان مرحله قبل سرچشمه دارند و برخی از وظایف مرحله قبل نمی توانند جز در مرحله بعدی خاتمه یابند. انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی مرحله مقدماتی انقلاب سوسیالیستی است، و انقلاب سوسیالیستی تکامل ضروری انقلاب ملی دموکراتیک توده ئی است.

ادامه دارد

(۱) - نطق صدر هوشی مین در جلسه افتتاحیه هشتمین جلسه مجمع ملی

(۲) - سومین کنگره ملی حزب زحمتکشان ویتنام (۱۹۶۰)